



نوشته از محترم محمد ولی حقوقدان سابقه دار



## WORLD HUMAN RIGHTS

### حقوق بشر ابزار تجاوز و مداخله بدست امریکا

حقوق بشر ان اساسات و مبانی بنیادی غیر قابل تعویض است که دران زنده ماندن، حراست جسمانی، روانی و حقوق انسانها در عرصه های زندگی مدنی، کلتوری، اقتصادی، سیاسی و تحفظ حقوق اساسی رعایت گردیده مانعی دران ایجاد نشود. این بخش حقوق انسانی باید عام شمول و مداوم بوده بر همه افراد بشر یکسان تطبیق گردد. عام باشد برای آنکه انسانها را از لحاظ زندگی در قاره های مختلف و باداشتن رنگ و نژاد متفاوت دربر گیرد، مداوم باشد برای آنکه تا انسان زنده است از ان بهره مند باشد و گذشت زمان بر تطبیق اصول ان اثر نگذارد. یکسان بودن حقوق بشر یعنی تطبیق موازین ان بر افراد غنی و فقیر، زورمند و کم زور همگون باشد و هیچ کشوری از ان بحیث حربه سیاسی در برابر دیگران کار نگیرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر بحیث سند معتبر جهانی صبغه توصیوی داشته الزام حقوقی در قبال ان دیده نمیشود اما اخلاقاً دولت هارا بر رعایت حقوق بشر مکلف میسازد.

بنابر نقض حقوق بشر در مراحل مختلف زندگی انسانها بخصوص در قرن گذشته، در سال ۱۹۴۸ در شهر وینا کنفرانس جهانی حقوق بشر دایر گردید که ۱۷۱ کشور اعلامیه های انرا امضاء نمودند. بر طبق این اسنادولتهای ناقض حقوق بشر تحت فشار بیشتر جامعه جهانی قرارداد شده میتوانند.

اعلامیه ها در مورد حقوق بشر عمدتاً دولتها را ملزم بر رعایت ان میداند در حالیکه در کنار دولتها گروه های مزدور ماموران اند تا جنگ نیابتی را پیش ببرند، همچنان کمپنی های خصوصی به ماموریت جنگی گماشته میشوند (مانند

کمپنی بلک واتر) که مرتکب جنایات جنگی و نقض حقوق بشر میگردند ، اسناد و اعلامیه های حقوق بشر باید در مورد پیامد های اعمال گروه های مزدور و کمپنی های خصوصی مکلفیتهای را وضع نماید.

درروشنی این مقدمه ببینیم حقوق بشر با معیارهای ذکر شده در بالا ساحه تطبیقی می یابد؟

برطبق یک احصائیه " در دو قرن اخیر تااواخر سال ۲۰۰۷ پنجمصد ملیون نفر کشته شده است . گفته میشود ۴۹۰ ملیون نفر کشته شده در دو قرن و هفت سال اخیر بنام دموکراسی ، حقوق بشر ، مبارزه با تروریسم ، صلح ، نجات کره زمین و دستاوردهای استعمار بسرکردگی امریکا در جهان بوده است."

اگر حق زندگی برای یک فرد بالا تر از سائر انواع حقوق است پس عاملین ختم زندگی پنجمصد ملیون انسان با سلاح های ساخت قدرتهای بزرگ زیر شعار های ذکرشده در گزارش بالا را چگونه میتوان به باز پرسی کشانید و همین اکنون سلسله کشتارها و وضع تحریم ها که باعث تهدید حیات مردم مخصوصاً کودکان به اثر قلت مواد غذایی و نبود ادویه میگردد را کدام مرجع با صلاحیت جهانی مورد پرسش قرار داده میتواند ؟

در تطبیق اصول و موازین ناشی از تصامیم اتخاذ شده جهانی مشکل اساسی قدرت و نیرومندی کشور هایست که با ترفند و زور ازان گریز کرده ان اصول را بحیث وسیله در برابر مخالفین بکار میگیرند و از اعمال خود و متحدین شان اغماز میکنند . پس عام بودن و غیر سیاسی بودن این اصل بشری بوسیله قدرتهای برتر جهان نقض میگردد.

کیسنجر یکی از وزرای خارجه امریکا در اثرش بنام " دیپلماسی " مینویسد : " بحث های حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مدیریت بهتر امریکا از طریق درخواست برای بهبود برخورد با شهروندان شوروی آغاز گردید اما به تدریج به راهبردی برای وادار ساختن شوروی به ایجاد تحول داخلی بدل گردید ..."

از تحلیل تاریخی کیسنجر در مورد این وسیله دست امریکا چنین بر می آید که امریکا زیر نام حقوق بشر تاکتیکی را پیش گرفت تا یهودان از شوروی به مهاجرت آغاز کنند زیرا دولت نکسن از نفوذ شوروی در شرق میانه ناراحت بود ، امریکایی ها پلان تجرید شوروی از شرق میانه را روی دست گرفته خواستند با طرح حقوق بشر و خروج یهودیان از شوروی نوعی نا رضائیتی در میان عربها علیه شوروی ایجاد نمایند چنانچه در سال ۱۹۷۳ به تعداد ۳۵ هزار یهودی خاک اتحاد شوروی را ترک گفتند.

امریکایی ها بادرک موثریت طرح حقوق بشر دیپلماسی شانرا درین عرصه وسعت دادند.

قبلاً دولت نکسن در سال ۱۹۷۱ کنفرانس امنیت اروپا را بحیث وسیله علیه روسیه شوروی در رعایت حقوق بشر مبدل ساخته بود .

در سال ۱۹۷۳ اعلامیه کنفرانس هلسنگی که ۳۵ کشور دران شرکت داشت امضاء شد سند شماره ۱۳ این کنفرانس در مورد حقوق بشر بود و این سند ضربه ای شد بر شوروی که کشور های اقمار انرا به تحریک و امیداشت چنانچه در پولیند و چکوسلواکیه فعالان حقوق بشر با استفاده ازین سند برای سرنگونی رژیم های مربوط فعال گردیدند .

امریکا همیشه خواسته است از بحران استفاده کرده انرا برای پیشبرد اهدافش در جهان بیک فرصت تبدیل کند چنانچه با ایجاد بحران جنگ در افغانستان مدیریت این بحران را بحیث یک فرصت منطقی در مورد چین ، روسیه ، آسیای میانه و ایران بعهده گرفته است . یکی از شعار هایش حین قشون کشی به افغانستان حقوق بشر بود ولی هیچ ناقض انرا

مورد باز پرس قرار نداد بلکه نوازش هم نمود . عده ای از طابان را به همین نام گرفتار کرد ولی بعدها ایشانرا در قطر و کابل و پاکستان بحیث مهمانان عالیرتبه نگهداری کرد .

مراجع تحلیلگر و سیاست ساز امریکا غرض ایجاد بحران و فرصت سازی ضمن پیشبرد کارزار تبلیغاتی برای دوره های طولانی یا کوتاه مدت نوعی نظام تبلیغی و فکری ایجاد میکنند تا درچوکات ان قناعت ملت امریکا را برای مداخله و لشکر کشی فراهم ساخته متحدین جهانی اش را به همکاری وادارد.

در جنگ سرد نظام فکری سرمایه داری نه تنها از طریق تیوری پردازی های لیبرالیستی بلکه در مقاطع محدود تر که هدف ان ضربه بر کشور های مورد نظر بود برخی طرحهای عاطفی و بشر دوستانه کاذب پیش کردند ، از جمله این طرحها که تا کنون وسیله دست علیه رقبای ان کشور میباشد حقوق بشر است ، بزعم انها این یک ارزش محض امریکایی است که ان کشور ماموریت دارد ازان حمایت کند . وزارت خارجه امریکا سالانه وضعیت حقوق بشر را ارزیابی کرده برابر با سیاست تخریبی درپناه جعل و دروغ مخالفینش را متهم به نقض ان می نماید . اما ببینید که همین مدعی این ارزش محض امریکایی در قرن بیست و یک چگونه عمل کرده است؟



1- بوش هفتاد هزار تن بمب درپنج کشور دنیا استعمال کرد.

2- اوباما یک صد هزار تن بمب در هفت کشور دنیا ریخت.

ترامپ در یک سال و چند ماه اول حکومتش ۴۴ هزار تن بمب ریخته است یعنی در هر ۱۲ دقیقه یک بمب.

این بمبها که جمادات و مایعات و حیوانات را هدف قرار نداده است بر فرق انسانها ریخته شده است .

این است دیدگاه حقوق بشری امریکا که دیگران رامحکوم به نقض ان میکند.

از اثر استعمال مادر بمبها در ولسوالی اچین ننگرها که بیش از دو سال ازان میگذرد هنوز اطفال نوزاد ناقص بدنیا می آید ، انواع امراض جدی مردم منطقه را تهدید میکند و در منطقه درخت و علف نمی روید .

دینگ شیائو پن رهبر قبلی چین گفته بود : " حقیقت این است که استقلال کشورها به مراتب مهمتر از حقوق بشر است . اماگروه کشور های هفت یا هشت پیوسته استقلال کشور های ضعیف را در جهان سوم نقض میکنند ، تاکید انها بر حقوق بشر ، آزادی و دموکراسی ابزاری در جهت حفاظت و پاسداری از منافع خود شان است ، انها ازین طریق کشورهای ضعیف را تحقیر کرده تلاش میکنند سلطه خود را برانان تحمیل کنند."

عراق مصداق این گفته است ، امریکا زیر نامدفاع از حقوق بشر صدها هزار انسان را کشته، اواره و زندانی ساخت.

ازدید برخی کشورهای غربی که همدستان سیاست امریکا هستند وهمگرایی با ان دارند ان اعمالی مغایر حقوق بشر است که منافع خود شان ازان متضرر گردد ، انها حاضر نیستند قبول کنند که ارتکاب جنایات شبیه توسط انها در سائر ممالک بخصوص کشورهای فقیر و عقب مانده نقض حقوق بشر میباشد.

مصیبت دران است که امریکا خود را در سطح جهان ناظر، باشی وکنترولر حقوق بشر جازده است اما جریان یک قطبی شدن جهان چهره اصلی این ابوالهول پرده نشین را در عرصه حقوق بشر افتابی ساخت ، نه برخورد یکسان با

ناقضین حقوق بشر دارد ، نه خودش این اصل را رعایت میکند و نه بر عام بودن و مداومت ان پابندی داشته بطور قطعی جانبدارانه و سلیقوی ازان بهره میگیرد .

یک نمونه :

دولت ازبکستان همه ساله از جانب امریکا ناقض حقوق بشر اعلان میشد زیرا ازبکستان حاضر نبود به عبور و ساینط جنگی امریکا از خاکش به افغانستان اجازه دهد . در سال ۲۰۰۸ اسلام کریم اوف در جلسه ناتو شرکت کرده توافق نمود تا وساینط جنگی امریکا و ناتو از طریق ازبکستان وارد افغانستان شود . دوروز بعد ازین توافق رادیو اشنا صدای امریکا راپور وزارت خارجه امریکا درباره حقوق بشر را مورد تبصره قرار داده گفت باوجودیکه حقوق بشر در ازبکستان نقض میشود و عوامل انرا هم بر شمرد ذکر نمود: " حالا دولت ازبکستان گامهای کوچک ولی موثر را درین راستا برداشته است و حقوق بشر را رعایت میکند."

